

## مرور زمان دیون رسمی

مرور زمان مذکور در قانون آئین دادرسی صرفاً ناظر بدعاوی است و عبارت از گذشتن مدتی است که بموجب قانون پس از انقضای آن مدت دیگر دعوی شنیده نمیشود و در ماده ۷۳۷ قانون مزبور نیز که مدت مرور زمان را تعیین و مرور زمان دیون و منافع یا نظایر آنرا دهسال معین نموده عبارت از مرور زمان دیونی است که برای مطالبه آن باید با اقامه دعوی به محاکم دادگستری مراجعه نمود و چون نسبت باسناد رسمی لازم الاجرا در صورت خودداری متعهد از ایفاء تعهد و پرداخت بدهی خود ناچار متعهدله با صدور اجرائیه در دفترخانه رسمی یا اجرای ثبت حق خود را مطالبه میکند دیگر نمیتوان در اینگونه موارد که طلب بموجب سند رسمی و با صدور اجرائیه مطالبه میشود موضوع مرور زمان را مطرح نمود و دفاتر اسناد رسمی یا دوایر اجرای ثبت در هر حال مکلف بصدور اجرائیه بوده ولو از تاریخ استحقاق متعهدله بیش از دهسال گذشته باشد مگر اینکه متعهدله بجهاتی بخواهد حق خود را که بموجب سند رسمی مستقر شده و بیش از دهسال از تاریخ استحقاق او گذشته با طرح دعوی بوسیله محاکم دادگستری از متعهد مطالبه کند در اینصورت بدیهی است خواننده دعوی یا متعهد میتواند باستناد مقررات قانون آئین دادرسی مدنی و بعنوان اینکه بیش از دهسال از تاریخ طلب خواهان گذشته ایراد مرور زمان نماید و البته در چنین صورتی دادگاه نمیتواند بعد از اینکه مستند دعوی سند رسمی است از قبول ایراد فوق خودداری کند زیرا ماده ۷۳۷ قانون آئین دادرسی مدنی «دیون» را بطور اعم ذکر نموده و مرور زمان را اختصاص بدیون عادی نداده است. در خاتمه این نکته را هم اضافه میکند که چنانچه پس از صدور اجرائیه مدیون بخواهد با تقدیم دادخواست بدادگاه صلاحیتدار بعنوان اینکه مرور زمان شامل دین او شده تقاضای ابطال ورقه اجرائیه را نماید بعقیده اینجانب دادخواست و تقاضای او مردود شناخته خواهد شد زیرا بشرحیکه فوقاً توضیح داده شد نه تنها دیونی که با صدور اجرائیه در اداره ثبت مطالبه شود مشمول مرور زمان نبوده و اصلاً اجرائیه تابع مقررات قانون آئین دادرسی مدنی نیست و دعوی تلقی نمیشود بلکه مدیون که دادخواست بدادگاه میدهد مدعی دعوی شناخته شده و قانوناً ایراد مرور زمان از مدعی علیه پذیرفته نمیشود نه از مدعی.